

کف و تد از قرار یک در روزنامه آنجا نوشته اند در آنجا جنس قدری تغییر نموده
 و هر کس غله در این بار داشت نیز وقت اهل ولایت تفصیل را بنامش باشی حاکم آنجا نوشتند
 مشارک به از دیوان اعلی اذن حاصل نموده نوشت که غله دیوانی را در شهر و بلوک
 بمصرف رسانند بعد ازین اخبار فروختن غله دیوانی جنس زیاده تنزل کرده صاحبان
 انبار رسم جنس خود را بنای فروش گذاشته اند که **کرامتشان** درین اوقات
 هوای آنجا بشدتی سرد شده بوده است که چند روزی گذارای بکلی بسته بود و زیاد
 برف بختی بوده است که یکتر مشاطر عماد الدوله را در خارج شهر کرک خورده است
 اسدانه خان سرپ کوران ایچمه عداوتیکه دو نفر برادرانش با او داشتند
 باندرون خانه او رفته علی القله او را قتل رسانند لکن از حسن مستامات عماد الدوله
 امامت میرزا بعد از پنج روز اقل او جمع قاتلین او را بی اینکه بتوانند فرار بجاک
 خارج نمایند یا در جانی پنهان شوند بدست آورده گرفتند بیست با حکم هایون
 بنرای اعمال خود خواهند رسید **میرزا** شهر از قرار یک در روزنامه آنجا نوشته اند از
 توانی دریا بسکی بو شهر و توابع را خوب نظم داده است در خصوص نظم او بندر چابک
 قراول و مستخدمین و مترددین و غیره در عسبر از معابر در نهایت امانت میگذرند در
 خصوص ن ساعت و فلاحشان سرحد در سال گذشته حاصل و نورو خوبی کامل داشته
 در امسال هم بامیدواری سال گذشته تخم کاری زیادی کرده اند و بارانهای
 بوقع هم بسیار آمده و قاطبه نزارین در نهایت خوشبختی و تردمانی بدعا کویسه
 اشتغال دارند و مشغول کار در راعت چاشند و نیز نوشته اند که در ماه جماد
 الاخری در بندر نهایت برودت بهم رسیده سرما بختی بوده است که یخ بندی شده
 بوده و معنی از عجایب امورات اتفاقیه است که در بندر که کرمسیر است باین
 و دیگر باد های مخالف روی دریا و زید بود است و هیچ جازمی از هیچ سمت حرکت
 نموده و بعضی امراض از قبیل نوبه غش و نوبه برع بهم رسیده بود اما درین اوقات
 بالکل رفع شد است یکی از سادات در کاران بادگیری نزارع میاید
 و او را بقتل میرساند چون ایچمه عماد الدوله حکمران فارس میرسد قاتل فریور را

۲۸۳۲

از میرزا محمود نایب کاران میخواهند مشارالیه را دستگیر کرده است

اخبار دول خارجی

در روزنامه های فرانسه نوشته اند در باب اسلحه و اسباب حربی که در ممالک فرانسه ساخته میشود و بعمل می آید از جانب وکیل عربستان دولت قانون نامه نوشته و مجلسی که عمارت از چند نصاب باشد معین کرده اند که تحقیق و تقییس نمایند که چه قدر و از چه قسم از این اسباب و اسلحه بیجا ملکیت بیرون بیرون و چه قسم از این اسباب در خود ملکیت مصرف میشود قید مثبت نمایند هر کس هم از این قاعده و قانون تخلف نموده تا دپ و تنبیه کند (در جریده الاحوال شاه از روزنامه های انگلیس نقل کرده اند که در بعضی ولایتهای هندوستان حجتی از باب نفاق و عیسان از در مخالفت برآمده و با قشون دولت انگلیس دعوی و جنگ میکردند در موسم تابستان که هوا گرم بود مأمورین دولت انگلیس از مقابل و معالقه آنها دست کشیده به سیلاقات رفته بودند عرب و جدال فیما بین تعطیل گشته بود این اوقات که هوا سرد گشته و اتمام زمستان است عساکر دولت انگلیس کافی السابق فرقه بفرقه بتنبیه دفع اشرار مامور شده اند (بقرار یک در روزنامه فرانسه نوشته اند در نزدیکی پاریس در شهر ورسایه زنی لوایت نام که بسیار صاحب دولت و متمول بود و شش از نو گذشته درین اوقات وفات نمود و بعد از فوتش معلوم شده است که مرد بوده است نه زن و لیکن معلوم نشده است که در بیعتی خودش را بصورت زن نگاه میداشته و چه ای که این همه مال و دولت را از کجا جمع کرده و از کجا آورده است هم معلوم نیست چون در شواهد در ظاهر نداشتند است مجموع اموال و متروکات او را از جانب حکومت ضبط نموده اند (در روزنامه های امریکا نوشته اند که شخص صاحب دولتی چندی قبل از مال خودش واپوری بسیار عجیب و غریب بشکل طبقات ایجاد نموده بود که همه اسبابش از آهن و چرخا صورت دیگر دوران میسینوده است و این اوقات باز در امریکا یک شخصی از اصحاب هنر و معرفت واپوری ترکیب و هیئت واپور معارفی بنا و ایجاد کرده است و بجهت معاونت چرخانی که در آب دوران میسیند چرخهای دیگر در هوا افتد داده است که بواسطه این چرخهای هوایی زور و قوت چرخها سیکه در توی آب است پشتر باشد و با در روزنامه های فرانسه نوشته اند که سوزن که در مقابل شهر ناپولی واقع است

از چند ماه قبل خاموش گشته بود این اوقات باز بنامی سوختن گذارده است
 واپورهای فرانسه که از آن سمت عبور می نمودند معاینه دیده اند [در روز
 نامهای روم نوشته اند که از حکمت جناب آقا سید سبانی چهل شبانروز بوده است
 که در ممالک روم متصل بایران می آمده است و آنها در هر جا بقدر دو فرسخ بگذرند
 گشته و از ابستدای تشرین اول تا ماه جمادی الاخری روی آفتاب دیده
 نشده است در مجموع محلات و کوچهای آنجا با آنها مثل دریا ایستاده که مرور
 و عبور ممکن نبوده است و تردد عسکر دمانی که از پیش بوده است مشکل گشته است
 عساکر دمانی بزرگ بنا نموده اند بسیارند که آنها تردد از کوچها نمایند [در
 روزنامه های انگلیس نوشته اند که در شهر لندن بسبب زیادتی نفوس و
 تنگی کوچها در صحن عبور و مرور بسیار زحمت کشیده میشود و بعضی اوقات در
 یکت کوچ که ازین طرف روزه و از آن طرف آینه بود بقدر نیم ساعت معطل
 میشوند این اوقات قرار داده اند از زیر کوچها نیکه شک است راه دیگری ایجاد
 و احداث نمایند و باینجه مجلس مخصوصی از اشخاص چند نفر داد و اندواهل آن
 مجلس اولاً اخراجات آنرا را مشخص کرده بعد از آن شروع با حسن آن آنها
 نموده اند و تمام شدن این آنها قرار داده اند که آینه از یک طرف کوچ و
 روع از طرف دیگر تردد نمایند که مانع یکدیگر نباشند و ازینجه رفاهیت کلی
 در احوال مردم حاصل آمده است [و از تداریکه از روزنامه های فرانسه
 استخراج شده است از سال گذشته در فرانسه احراق زیاد اتفاق می افتد
 و ازینجه تشریح داده اند که من بعد در هر قصبه و هر شهر بقدر لزوم در هر ده پست خانه
 یک طویبب زند و طویببب ما را هم اسم نویس نمایند که آنها را تقسیم و تربیت کرده
 باشند] و نیز در روزنامه ها نوشته اند که در فرانسه آن هر کس از اهل هنر و معرفت طالب
 سولت علم و صنعت است نهایت سعی و اهتمام را درین باب اندازد در پاریس شخصی
 بنامیت دولت مند که از اصحاب علم و معرفت بوده بجهت علم حساب تحسین ساخته و اسبابی درین
 او احداث نموده است که حساب ضرب و تقسیم و غیره با آن نموده میشود مثلاً حسابیکه در دو ساعت
 قلم نوشته میشود در دمانیه با آن حساب معین میگردد و قیمت هر تخته گویا تا پنجاه صفت تومان میشود

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم شهر جرب مطابق سال این بیست و یکم

نمبر چهار صد و پست و یک

نظمه دارا بخلاف طهران

قیمت اعلانات

شعبه

پرسطری دهها



قیمت روزنامه

پنجاه و هشت

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارا بخلاف طهران

از آنجا که کمون خاطر خیر مر مطا بر سر کار اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی دامت شوکت و اینادرا زدیاد و روابط دوستی و مواعادت دول ستاجانه و نظم امور تجارتی بعد دولت علییه و مراقبت آنهاست لهذا حسنعلی خان سرشپ خیرالاجودان خاص حضور همسایون که از چاکران کافی و از حبه خانواده ای بزرگ دولت ایران است بر حسب فرمان همایون بمنصب وزیر مختاری و اعلیٰ مخصوص دولت علییه سرافراز دما مو با قامت دربار دولتین نخستین نخلیس و فرانس و حامل نامجات دوستی علامات گردیده با عطا یکثوب بجای استیما از تن پوش مبارک قرین افخار کشت و حاجی محسن خان سرهنگ بیابان اول و میرزا صادق خان بنیابت دوم و نظیر آقا بترجمی اول و میرزا بزرگ منشیگری سقا مزبون سرافراز شدند چون بهمت قصانمت نوکاز شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه تربیت و ترقیه دولت و ملت مصروف است لهذا چهل و دو نفر از نجیب زادگای دولت علییه را از برای تحصیل انواع علوم عالییه و صنایع شریفه منتخب و معین نموده اند که با سفارت مزبوره روانه شدند و حسنعلی خان خیرالاجودان و وزیر مختار بعد از ورود در سلطنه پاریس قرار تعلیم و تدریس آنها را دایر نموده هر یک از آنها بتعلیم علوم و صنایعی که مقرر گشته است مشغول شدند

۲۸۳۵

چون مرزا عبد الرحمان در اوقات توقف اسلامبول از طرز خدمات خود خاطر خطیر اقدس
 بپایون شاهنشاهی نطقه انکد و سلطانه را خوشنود ساخته بود رای جهان آرای اقدس بویگان
 چنان اقتضا نمود که مشار لیس را بمنصب کار پرداز ای اذل دولت علیه منصوب و با قات
 تقییس نامور فرمایند که مشغول سرپرستی تجمه و تجار دولت علیه مقیمین لصفحات بوده باشد
 و با عطای کقطه نشان سرتمی و حمایل دیکتوب کلچیه قرین افکار و همتیان آمد و این روزها
 از حضور همسایون مرضی حاصل نموده بجل ناموریت خود روانه خواهد شد و همچنین
 میرزا عبدالوهاب خان که از جمله تربیت یافتگان دولت علیه است بمنصب نیابت اول کار پرداز
 خان تقییس منصوب و بجل ناموریت خود روانه گشت (نظر بحسن خدمت نصر الله خان
 سرتمی از جانب سنی ابجوانب همایون ادام الله ایام سلطنته کقطه نشان از مرتبه بیوم
 سرتمی شارالیه مرمت شد) (شاهزاده خسرو میرزا که بهتبه بوسی دربار همایون بقی
 کشته بود محض و فوراً حرم شاهانه دربار ابا عطای کیتوب کلچیه سرانست و شرفنا ندو
 حضور هر طور همسایون شده مورد مرحمت حضور خسروانه کردید) (سردار رحمان خان
 برادر امیر دوست محمد خان که بدر بارجه از پادشاهی آمده بود در خیابان قی با خوشی مبتلا بود
 تا در روز دوشنبه هفتم محرم شد از جانب سنی ابجوانب همایون حکم و مقرر شد که ارکان
 دولت اعیان حضرت جمیعاً از امر امانت از قبل امین الدوله مستوفی الممالک و سپهسالار
 و معتمد الدوله و وزیر دول خارجیه امین الملک سایر چاکران درباریه از سرتمی و سرمنگ و
 صاحب منصبان نوکرانی بزرگ جمعی کشر باغ ایلمانی که محل سکنا می مرحوم مزبور بود رفته خانه
 او را با محال احترام برداشته و بعد از آن حسب الامر الاقدس لاعلی در مسجد شاه دار بنگل
 طهران مجلس ختم و فاتحه خوانی قتر دادند در سه و زیایام فاتحه خوانی کل نوکرانی یوانی داهل
 شد و علماء و فضلا جمیعاً بجل ختم رفتند در روز بیوم ختم و فاتحه خوانی اولاد او را که همراه بودند
 بحضور همایون آوردند و مورد تقدات ملوکانه گردیدند امورات قشونی چون این روزها
 هوا اعتدالی دارد و بجهت مشق ازین تیه نازد حسب الامر همایون تو بچیان و زنبور کچیان
 و افواج قاهره متوقفین در کهنه آلبا هره هم روزی در محل مشق خودشان حاضر گشته مشق
 میکنند و همچنین صاحب منصبانی که نامور مشق فرانسه بهشد هم روزی در مجلس درس حاضر گشته
 بعد از درس در میدان ارک مشق میکنند و در کمال مشق مشغول تحصیل میباشند) (امر قوزخا

۲۸۳۶

دجسته خانه کمال نظم را دارد و موجب بحیره و تدارک نژودیه سپاده نظام و سوره را جمعا جا بجا کرده در دیوانخانه نظام از قرار تخصیص لشکر نویسان در حضور خود سه ساله داده میشود

سایر ولایات خمس

از قراریکه در روزنامه خسته نوشته بودند از شدت سرما و برف ما پهن که دکت قریه گو که بلاق خدا بندگی الی قتیة بولاما جی سی و پنج نفر تلف شده بودند و در دانات خمس عبور و مرور بدات ممکن نیست مرد قهری از مالی دانات خمس در حوالی ولایت زرنجان حاجی بجه خود درست کرده بوده شبی بجهت مهمی از منزل سپردن می آید دست کرک اورا گرفت چهاره را با لقمه خورده بودند و در یکی از دانات ناجیه خدا بندگی جوانی عاشق کینه ضعیفه حمید میشود و شیوه عشق بازی ا طرح میکند ضعیفه مزوره هر چه در مقام نصیحت او برمی آید و لایه وزارت می نماید فایده نمیکند و دست بر نمی دارد ضعیفه چهاره لا بد اعلی الظاهر سنگینش بنماید و جوان مزبور شب ابلهین معشوقه خود می آید آن زن قبل از وقت تیغ تیزی تحصیل کرده آماده میدارد و در وقت موقع یکدست آلت رجولیت اورا گرفته از زردران و بادست دیگر با آن تیغ آزا قطع میکند از قراریکه در روزنامه شهسود نوشته بودند در پستم شه جادی الاخری در کناره دریا باد شدیدی آمده یک فروند رشوه از مال امامتلی نام تاجر باد کوبه که بارش پنبه و قیصی و کشش بود و غرق میشود و همچنین کرجی که هفت نفر عمده و سر نشین در آن بودند و از لشکر و بشد سری آمده همینکه نزدیک کناره میرسد نفر از سر نشینها از ترس آنکه بسا دا غرق شوند خود را بکناره دریا انداختند جز و تدریا آنها را بمیان دریای کشیده هلاک نمود و کرجی داخل دهن شد و نفر دیگر از ترس جان خود را برد خانه که آبش تا کمر بود بی اندازند آن دو نفر هم کولاک بدریا میسرد و غرق میشوند یک نفر ناخوش و یک نفر سالم در آن کریج میماند دست از جان شسته غنظر هلاک خود بودند که ناگاه از تفصیلات الهی کولاک

کرجی را بکنار دریای می اندازد و همچو

اسپی بان دو نفر میسرد

کرجی هم صحیح میماند

اصفهان

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند در ماه جمادی الاخری چند دفعه برف زیاد آمد
 و هوا نهایت سردی را داشت است اگرچه در آن چند روزه شدت سرما و زیادتی برف
 مانع شغل بعضی از ارباب صنایع و زراعت از عین بوده اما چون بالمساکل مایه خیر و
 برکت است اهل زراعت و باغبانان را غایت خوشوقتی حاصل بوده است و
 شخصی رمضان نام از اهل خوراسکان جی قدری تخواه طلا و نقره پیدا کرده بوده است
 و بسته پیرج بجای تقی نام صراف میفروخته تا آنکه شبی او را بخوراسکان سپرد که با تمام آن
 پول را بفروشد و معاوضه را یکجا کند بعد از آنکه صراف مزبور را بقریه مزبوره میبرد بر سر
 کم و زیاد می گفتگو مینمایند شخص خوراسکانی از ترس آنکه مبادالین امر بر روزنامه نصف
 شب حاجی صراف را بقتل میرساند و او را در صحرا در زیر برف پنهان مینماید و بعد
 از آن بهترین خارجه معلوم میشود و او را گرفته پیش اعتمادالدوله حکمران اصفهان
 آوردند و استراحت بقتل کرد و در باب تخواه که حاجی صراف همراه برده بود منکر شده
 و سه چهار روز در حبس بود که حقیقت امر معلوم شد اتفاقا بنا خوشی ذات بجانب در
 حبس مرد و بکافات الهی استرا با د قضا شده نزع بر طرف کرد
 از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند اصفحات نهایت اطمینت را دارد حضرتین
 ایلیخانی و پسرکی استرآباد که مامور بملاقات شاهزاده احمد الدوله حکمران خراسان
 که قراری محکم در باب اشطام راهب و سرحدات بدهند و شتم جمادی الاخری
 از استرآباد غایت و در بظام با حمت الدوله ملاقات کرده و معاودت نموده
 در چهارم شهر رجب ارد استرآباد کشته است (کلیجه که برسم خلعت از جانب
 سنی ابجوانب همایون شانشاهی صان الله ایام شکره عن لیبهای بافقار ایلیخان
 مرحمت افاد شده بود در روز ششم جمادی الاخری غرور و دار زانی فرود شده است
 زیب پکر مغافرت خود ساخت (میرزا محمد مستوفی که بجه رسیدن محاسبات
 استرآباد و سان نوکر متوقف آنجا بود بحال دقت و مراقبت مشغول خدمت محوله بود
 است
 کرمان
 از قراریکه در روزنامه کرمان
 نوشته اند اما معلی خان سررتیب فوج کرمان که در اویل شهر جمادی الاخری نوشته

۲۸۳۸

احبار دول خارجی

در روزنامه های اوسترایا نوشته اند چندی قبل در آن دولت قرار داده بودند که قسری
 عسکریه را در حق کسانی که از پست و هفت سال کتر سن دارند نویسد و نکشد این اوقات
 قرار آموخته داده اند اما یک بستن پست و هفت سال زبیده اند زن نبرند و نا اهل خستیا زبند
 و نیز نوشته اند پیش ازین در بعضی محکهای آنجا از برای اشخاصی که قرض کردن لازم و
 ضرور میشد خواه رهن میداشت و یا نمیداشت با تسرع و منفعت فاحش و زیاده بان
 شخص پول قرض میدادند این اوقات از جانب دولت قرار داده شده است که هر که
 پول لازم دارد و قرض می نماید اگر رهن و کردار در سال یا نه در صدش فرج و مرابحه بد
 و اگر رهن ندارد در صد هفت منفعت داده باشد و از این قرار پول دهنده و گیرنده
 تخلف نمایند (و نیز نوشته اند که درین دولت یکه تسویه داخل با اوراق است
 که اهتمام دارند و بسیار نمایند نظر بلاحظه آنکه این اوقات کرده اند مخارج و مصارف
 امسال از سال گذشته بسیار تفاوت کرده و کتر شده است (و نیز در روزنامه های
 اوسترایا نوشته اند از چندی قبل امالی سار دنیا در حق دولت اوسترایا بعضی حرجها
 نالایق زده و میگویند این اوقات باز در دهم کانون اول نطنس برابر اظهار دادند
 و بر دولت قرار داده بودند که در شهر جنوه جسدی مشکوک و آتش بازمی نمایند این گفت
 که حکومت معلوم میکرد این اشخاص اشیداقه عن و تنبیه میکنند که مرتکب چنین امری نشوند
 این اشخاص از آنجا بجل و مکان دیگر رفت در آنجا در صد اجرای این قضیه خود بر آمدند
 حاکم آنجا که ازین ماجرا خبردار گردید آن اشخاص را طلبیده و بزبان ولایت و طاعت
 به عام منع بر آمده و گفت اگر من بعد باز از یکونه حرفها بزنید و درین خیال باشید بطور
 دیگر با شما معاهده رفتار نخواهم نمود آن اشخاص علی الظاهر از آنجا فرار کرده
 و ازین صرافت افتادند باز پاره از سبب ادبها و هر زامی آن اشخاص ازین خیال بازگشته
 یکجا جمع گشته مقام بر از این قضیه خود بر آمدند حاکم آنجا پس از آنکه از خیالات آن
 اشخاص شنید که قشون بر جمعیت آنها فرستاد ما پس قشون مرزبورد آن اشخاص نزاع جدی
 واقع شده از طرفین چند نفری تلفت گردید پس از آنکه این معصمات بدولت سار دنیا
 معلوم گردید چون قشون فرستادن آنجا از جانب حاکم بدون اذن و اجازه دولت

۲۸۳۹

بوده است تغییر حکم نموده و در منزل دیگری بحکومت آنجا منصوب نمودند حال ازین جبات
 در صفحات پاره گفتگو و حرکات بهت تا بعد چه بروز نماید (در روزنامه های فرانسه
 نوشته اند که مدتی است بسبب عدم لزوم قشون زیاد از جانب آن دولت امر با خراج بعضی
 از عمارت شده بود و درین مدت زیاد از صد هزار لفسه از سلک عسکر تیه اخراج کرده بودند این
 اوقات لزوم و احتیاج بعساکر احتسابی شده از جانب وزیر داخله آن دولت بیان و افاد
 گشته است بلکه قریب هسم از عمارت علاوه تراراده شده است (در روزنامه های انگلیس
 نوشته اند ایالت قاده که از قطع امر بیاد چندی است در زیر حکومت دولت انگلیس است
 از پادشاهان انگلیس تا حال همچو آن ایالت رغبت و غنیمت نموده اند این اوقات آن
 آنجا استعدای غنیمت حضرت پادشاه انگلستان بر آن ایالت کرده اند و چند نفر از
 معتبرین آنجا ببدن آمده اند حضرت پادشاه انگلستان غنیمت خود را مطلقاً قبول نکرده
 و جواب داده است لیکن و کاتبش را بیکه نواب و لید خود را بر آن ایالت بفرستد داده
 و مالی آنجا را خوشنود و خوشحال فرموده اند (در روزنامه های اسپانیا نوشته اند مدتیست
 از جانب آن دولت در تزیین قوه بحریه خودشان اهتمام و عهت دارند این اوقات
 قرار داده اند که قوه بریه آن دولت تا بشاد و چهار هزار نفر از صاحب منصب آیین میا و موجود
 باشند (در روزنامه های پیش نوشته اند که سوزنده که در پیشگاه حکومت ناپولی واقع است
 از چندی قبل خاموش گشته و بعد از آن بازبانی سوحشن گذارده بود این اوقات شدت
 و طغیان در سوزنده که آن کوه بروز نموده و آتش بیچاره شمعش شده است دامالی آنجا
 از بسکونه سوحشن آن کوه بوخت و دهشت افتاده ترک وطن و مسکن خود کرده با طراف
 متفرق شده اند (در روزنامه های انگلیس نوشته اند که در جهت شرقیه در خط استوای اقیانوس
 در استیجی که او را عیون میسنا ندیک نوع میمونی هست که آنها را غوریل میگویند این میمونها بعد
 و بلندی شده و در دانا مثل میمونان سبزه و پاره میسند و اگر بدن اینها سوده اند
 دوم نمیداشند از انسان هیچ فرقی نمیداشند اکثر اوقات هفت هشت تا از آنها در کج راه
 میروند و فلاخن در دست دارند اگر از بنی نوع انسان غیر جنس حیوان مقابل آنها آید
 از دست این میمون با او را نجات و خلاص نخواهد بود این اوقات یکی از آنها را
 گرفته ببدن آورده اند

۲۸۴۰

روزنامه و قیام اتفاقیه بیان یوم شنبه بیستم شهر ربیع الثانی مطابق سال یونس



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

در روز چهارشنبه بیست و هشتم شهر ربیع صبح زود اعلی حضرت شامشاد بلا حقه قنون میدان ارک تشریف فرما
 فرج دماوندی که برای اموریت حرامان اخبار شد بودند در آنجا حاضر بودند با کمال آراستگی صف
 نظامی بستند چون بانگی حکم کلیه شد است که جمع افواج را دستبندی کرده پشت دسته قرار بدهند
 و هر دسته را در قامت اندازه یک درجه معین کنند از آنجمله همین فرج را که تازه دستبندی کرده
 بودند بسیار بر شکوه آنها افزوده بود همگی مورد القات طوگانه شدند و آنگاه خبر بود که بزودی محل
 اموریت خود بروند و بعد از آن بلا حقه یک دسته توپخانه که مقرر شده است موسیونیکولا معلم فرانس
 مشق بداد و تربیت نماید تشریف بردند و توپخانه که مشغول مشق بودند اگر چه یکجا بیشتر نبود که مشق تازه
 تعلیم میکردند باز خیلی خوب از عهده برآمدند معلم آنها مورد نوازشات طوگانه گردید و بعد از آن چون
 روس که معلم جبهه خانه و قورخانه است برای حمل چند غاده قیس اسپانی ساخته بود که بر خاطران
 بار کرده بودند بلا حقه آن تشریف بردند و آنرا توپچیان بفرمان معلم مشغول مشق قیس شدند و بعد از آن
 بفرمان دیگر در یک دقیقه قیسها را از هم باز کرده با قاطرها کردند و هر یک قیس را با صندوق قورخانه
 و جیب لوازم آن بار سه قاطر کردند و این نوع جلدی و چاکی در بار نمودن بار کردن و بعد از آن
 بار را بجلدی پایین آوردن و وصل کردن آنها در زمین بسیار مستحسن افتاد و فریاد نفع در وقت
 از راههای سخت و کوههای مرتفع و جنگل و رودخانه البته زیاد از حد است و همین سبب است سال

۲۸۴۱

که سی پونج غزاد پیش با اسباب لازم آن که بار قاطران شود و حیاء و آماده سازند و گویند
 رئیس صاحب منصبان مزبور هم مورد الطاف ملوکانه شد و بعد از آن مراجعت بعمارت
 سلطانی فرمودند (درین روز با پسر از قبضه تفنگ خاندار دنگلی سبزی مقرر فرمودند
 که از کار خانهای تفنگ سازی دولت بلجیک اتیاع فرمایند و درین باب فرخ خان امین الملک
 با سوسیو نازی شارژر و فرد دولت بلجیک که در طهران اقامت داشت قرار داده نامه نوشتند
 شکا هزاره نصره الدوله سنیرز میرزا حکمران عراق که بر کباب همایون احضار شده بودند و
 پنجشنبه است و هفتم وارد شدند حسب الامر جمعی از صاحب منصبان غیره معزی الیه را استقبال
 نمودند بعد از ورود شرف اندوز حضور همایون گردیده مورد الطاف و تقدمات ملوکانه شدند
 با قصای رای همایون علیحضرت شاهی حکومت کرمان را بیکو مرث میرزا پسر مرحوم قدس
 میرزا مرث فرمودند و محمد اسمعیل خانرا که چندی در کرمان توقف نموده بلدیت تمام دهشت
 بوزارت پیشکاری انجام امور فرمودند و در اوایل شش شعبان از رکاب مبارک مرخص و روان
 خواهند شد (چون ایام اقامت حاجی میرزا احمد خان وزیر مقیم این دولت در اسلامبول
 منقضی شده بود و لازم بود بجهت حفظ روابط اتحاد و دو لیتین علیتین از جانب دولت ناموری کنند
 در اسلامبول متوقف باشد لهذا میرزا حسین خان که بصفت کفایت کار دانی موصوف و در
 پیشگاه قدس همایون بصداقت درایت معروف است بمنصب وزیر مخاری سلف از و با قاضی
 اسلامبول نامور گردید و صاحب منصبان منضله علاوه بر چند سفارت که در اسلامبول

۲۸۴۲

زبان خان سر مشرب میرزا سلیمان خان پسر میرزا حسن
 مستشار سفارت وزیر امور خارجه نایب اول
 نایب دوم

هستند بهر اسی او نامور گردیدند (و همچنین اشخاص مفصله هم بکار پرداز می ولایات مفصله

میرزا زین خان حسن میرزا احمدی منصب میرزا حسین منصب کار حاجی میرزا آقا علی منصب کار
 سرپرستی تجارتیه دولت کار پرداز می دره الزم پرداز می امور با قاضی پرداز می امور با قاضی شام
 اول که عمارت از قونول طرا بزن
 جزای باشد نامور با قاضی نامور و روانه شدند

ایل برآورد هم وقت ایل مخصوص در عیت خوب پادار دولت علیه ایران بوده دست در شادت و
 جلالت آنها معروف است در زمان قمرات خراسان که اغلب رؤسای ایلات و خانیان
 خراسان حرکات خود سرانه میسوزند و با حکام دولت علیه ایران چپا که باید اطاعت نمیکردند

ایل مزبور نیز از جام و باخرز که پورت اصلی آنها بود همیشه در آنجا مسکن داشتند که چیده بخت
 میمنه بالا مرغاب و شهر نو ترکستان و از یک پراکنده شدند در وقتیکه حسام السلطنه نامور
 بصنجات افغانستان و ترکستان گردید ایل مزبور را که رعیت مخصوص این دولت بودند مستع
 شدند که دوباره آنها را داخل خاک خراسان که موطن اصلی آنهاست نماید حسام السلطنه نیز جمیع
 آنها را امتیاد وار نمود از صنجات میمنه و از یک هر جا بودند که چانده بجام و باخرز فرستاد
 چون همیشه در خاک خراسان نشو و نمایا قه بودند و زندگانی درین خاک عادت طبیعی خود و اجدا
 ایشان بود در کمال میل و رغبت معاودت بسکن قدیم خود نموده با حکام دولت علیه منقاد شدند
 و چون در وقتی که هزاره در جام و باخرز بود اولیای دولت آن پورتهای قدیم آنها را
 بعضی سایر ایلات خراسان تقسیم کرده بودند و بعضی را رعایا و زارعین نشانده بودند و رعیتی
 داشتند و آب و زمین و مرعع القدر نبود که هم کفایت ایلات رعایای سابق و هم هزاره را
 که خانوار زیاد دارند نماید لهذا سرکار اعلم حضرت شاهنشاهی بقوام الدوله حکم فرمودند که هر
 از جام و باخرز که چانده بصنجات بنزد او جوین و اسفرا این فرود و نسیر و آباد که محلهای
 بسیار خوب است آورده سکنا بد که هم محافظت و مراست اشرا تر کانت که همیشه از نظر قبا
 مصدر هرزگی و نا امنی راه خراسان میشد بشوند و هم وسعت پورت زمین و مرعع القدر است
 که کفایت ایل را بکنند از قرار خبر آخری که از خراسان رسید قوام الدوله با کمال خوبی فرمایند
 همایون را با انجام رسانده و ایل را با کمال خوشنودی و ائیت کو چانده باین مکانها آورده
 جا بجا خواهد کرد و چون فصل زمستان بود در کوچیدن احتیال داشت که ضرری بکوهند
 و احشام آنها برسد و لازم بود که در پورتهای جدید زراعت نمایند لهذا سه هزار تومان
 نقد و دو هزار خردار غله انعاما بآن طایفه القات شد و بجمع خوانین و رؤسا و خواجه های هزاره
 خلعت القات فرمودند (از آنجا که خاطر خلیف پادشاهی بریت و ترقی خانزادان
 دولت مصروف است این اوقات که حسنعلی خان سر تپ جنرال اجودان اشغیل
 وزیر مختاری مخصوص با قاست در بار دولتین ذی شوکتین فرانسه و انگلیس نامور فرمودند
 یحیی خان پسر مشا رالیه را بر سر سنکی فوج اول کرد و سرفراز و سرپرستی افواج
 کرد و سربانیات حسنعلی خان پسر رالیه مرحمت فرمودند
 اخبار دول خارجه

۲۸۴۳

از قراریکه در روزنامه های انگلیس نوشته اند جزا بر سب که مذمت در تحت تصرف انگلیس است چون دین مذہب آنها باین و مذہب انگلستانی معایر باشد از پنجه بعضی از انالی جزا بر سب سبب حرکت انگلیس خوشنودی مذہب و نظریه دولت یونان میل کرده اند چون علی الظن هر فشا اینگونه امورات اجمال و تکامل نامورین میشود بجهت تحقیق حقیقت احوال این اوقات بکنفر آدم معتبر بطرف قوفه فرستاده اند (در روزنامه های پاریس نوشته اند مقدمه که پارسال در پاریس اتفاق افتاده و در صین رفیق علیحضرت امپراطور فرانسه چهاره بطرف علیحضرت امپراطوری انداخته بود و چون کیفیت پارچه پارچه شدن آن بغایت چرنازه و خوب بطری آمد و احتمال میرفت که در دعوا بسیار بکار بخورد همین اجزای آن ساخته شدن آن از جانب علیحضرت امپراطوری امرگشته بود و چند نفری از مهندسین بنرود مهندس خانه نشسته و صرفا فکر نموده و همسایه نظور چهاره ساخته و در نموده اند خود علیحضرت امپراطور بهندس خانه رفته سیر و تماشای خیابان را کرده تجربه و امتحان نموده اند (در روزنامه های فرانسه نوشته اند از زمان متوفی لوی فیلیپ امپراطور سابق فرانسه محل مخصوصی از جانب حکومت در فرانسه ترتیب داده و نامورین متعدد معین کرده اند که هرکس را ضرورت احتیاج حاصل آید و از یکتومان الی شصت تومان قرض بخواند و درین بد نامورین رهن او را گرفته و از شتار صدیخ تخوازی که میخواهد بامیدهند باین شرط که اولاباید مقوم رهن او را قیمت نماید که زیاده از آن مبلغ ارزش داشته باشد و سه ماه بسنده باید حجت او را تجدید نمایند و اگر الی یکسال و نیم تخواه را داد نکرد آنوقت رهن او را میفرودشند و هر چه قیمت آن رهن علاوه از قرض صاحبش باشد ضبط کرده نگاه میدارند و بخود او تسلیم نمایند و بگذا اگر از اهل ولایت کسی پول داشته باشد و از قرار صدیخ بخواند بامورین آن محل بدو آنها تخواه را از او قبول کرده و بروقت خواسته باشد اصلا نشد عا باوردی نمایند این فاعده و قانون از آنوقت تا بحال در فرانسه مجری و محتمل است چندی ازین معنی هویدا است این اوقات از جانب دولت انگلیس و دایماره از جهت اینکه این اصول را درست بدانند در ممالک خود مجری دارند نامورین چند بفرانسه فرستاده اند (در روزنامه های انگلیس نوشته اند کشتی که سه پارچه که در لندن از جانب قوه پانیه تاتی بود میخواستند و مبالغ کلی خرج آن شد بالمضاغف آن خرج دریا انداختن آن نمودند و احوال آن کشتی تا م زسیده سازند نامی این اوقات در کشتی اند و آن کشتی در خارج بود و اخراجات و ختند و باز باید آنها نیکه آن کشتی اخیره اند و مقابل آن قیمت خرج نمایند تا تمام شود

۲۸۴۴

در روزنامه های انگلیس نوشته اند درجه غریبه هندوستان در اسکواش در کشتی سازخانه
 که قشک خانه هم آنجا بوده است آتش گرفته کشتی سازخانه یکجا بهوار شده است و مالی آن
 بخوف و وحشت افتاده اند هر کسی بجانی رفته و قایم شده است و سوزنکی بسیار شده و خسار
 کثی رسیده است (در روزنامه های فرانسه نوشته اند چندی قبل در مالک ناپولی بناواراد
 ساختن راه آهن نمودند چون از امیله خودشان کسی نبود که این فن ابداند و راه آهن باز
 آن اوقات از فرانسه انگلیس چند نفر معلم برده و از امیله خودشان نیز خدمت بان معلمان
 کرده اند و خیلی راه آهنی در آن مملکت انشا و احداث نموده اند و از مالی آن مملکت آنها نیک
 در آن کار و خدمت دند از آن معلمان چنانچه باید و شاید یاد گرفته و خودشان مثل آنها در
 این فن معلم شده اند و دیگر در ساختن راه آهن حسیاج معلم خارج نامه این اوقات از جانب
 دولت ناپولی بان معلمان جواب داده شده که بمالک خودشان بوند (بقراریکه در روزنامه
 جریده اخبار اسلامبول نوشته اند صورت نوشته کسی که ناظر دول خارجی دولت عثمانیه
 بسفرای سایر دول متجا به آن دولت نوشته اینست در بوغاز اسلامبول در اشای سیر و حرکت
 واپورانس و وقت نمودن که بزور قهای کوچک ضرر و خسارت سازد و بعد از غروب آفتاب
 حرکت نکردن و در هر جا که هستند توقف نمودن در صین بر وزو ظنور حادثه کشتی دیگر بر بعضی
 جهت و انسانیت در همان حال از واپورانسندلی پامین آوردن در استخلاص انگشتی که بقضا
 دچار شده است کوشیدن فریضه ذمه قاپودا محضای واپورانس می باشد و نسبت از طرف
 قاپودانها در خصوصات مذکوره چنانچه شاید و باید اعتنا میشود و اینجانب از طرف واپورانس
 کوچک سکت و اردمی آید و اشخاصیکه در آن بزور قها نشسته اند تلف میشوند چون امرجان مقدم
 بر تمامی اسباب آسایش باشد و استقلال امنیت عمومی در نزد دولت علیت در مرتبه و جویت
 میاید رخ اینگونه امورات که موجب تلف نفس و خسارت سایرینت بشود بین آنها بعد
 ازین هر نوع واپور و هر گونه کشتی بل کنی که باشد میباید بعد از غروب آفتاب در خروج حرکت
 نکنند و هماغانیکه هستند متوقف باشند و واپور باید در زمانیکه بسیار بنزدیکی کناره رود
 و بان نهر که کشتیهای کوچک داخل میشوند و واپور داخل نشوند و سوامی اینها چنانکه
 باعث آسایش عمومی است بعمل بیایند و این منع و قهغن الزا اصول دایمی اخذ نمایند

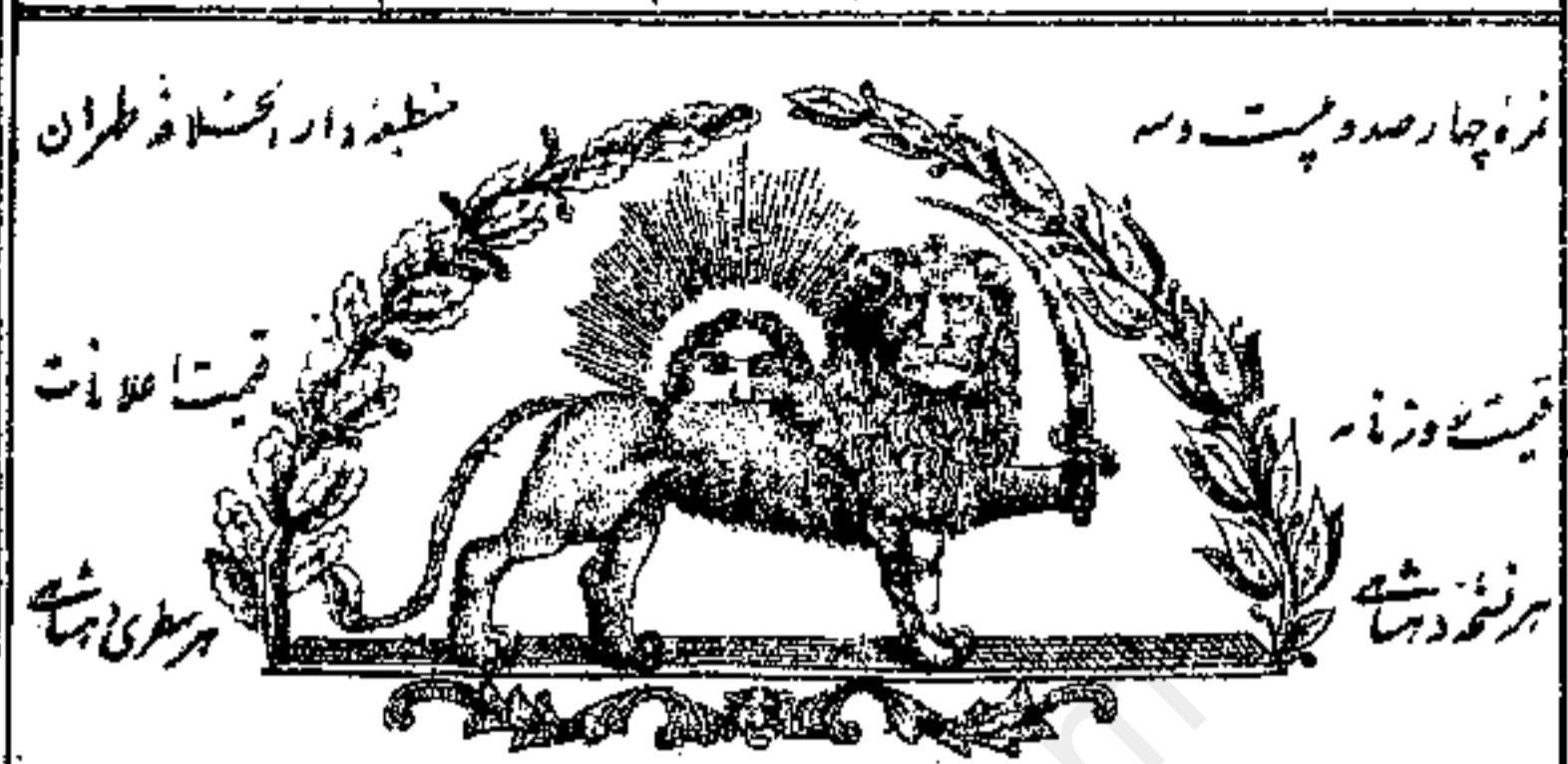
۲۸۴۵

و اگر بخلاف این اصول حرکت کرده شود مسئول معاتب خواهد بود و بجزای مخصوص تادیب
 خواهند شد این کیفیت کشتی سازخانه و سایرین که لازم است اعلام گشته و بتامی پودر آنها
 واپور و کشتیهای بل کنی در ایجاب قیامت اکیده شده است فی الجمله از سفرای اول سحابه
 نیز درین خصوص است مقرر است که تا کید اکیه تبعه و ولت های خودشان بنمایند (و نیز در
 جریده الحوادث نوشته اند از سر باز خانه و تو بختانه دخته خانه سلیمانیه که خرابی بهر سیده و امر
 تعمیر آنها گشته بود معادل مقصد تو مان اخراجات و مصارف تعمیر آنها شده است از طرف قائم
 مقام سلیمانیه و امرای عسکریه و اعیان و سایرین آنجا این مبلغ را فیما بین خودشان تقسیم و توزیع
 نموده و داده اند و از جانب آن مجلس عریضه در قبول شدن این امر توسط الی بغداد بطرف
 حضرت سپهسالار فرستاده بودند و استدعای آنها موقع قبول یافت است (و نیز در جریده
 الحوادث نوشته اند بلاحظه فواید و فیره راه آهنی که در کوشش محال و مواقع انشا نموده و میان
 روز بروز زعب و مشقت مسافین کمتر میشود پیش ازین که از اسکندریه الی مصر راه آهنی
 ساختند و تره و از آن راه میشد بعد از آن از جانب الی مصر ساخته شدن راه آهنی از مصر الی
 سویس که هشتاد و چهار میل راه است اراده شده بود و مشغول ساختن و کار کردن آن راه بود
 بموجب اخبار یکدیگر این اوقات رسیده است راهی من از مصر الی سویس که هشتاد و چهار
 میل راه است تمام رسیده و در سیزدهم ماه جمادی الاولی شلیک و شادی نموده راه فرورد
 مفتوح نموده و اذن و اجازه بستند و درین داده اند (بشریکه در روزهای استیقامت
 نوشته اند بسبب قرعه عسکریه که در آن دولت قرار شده است در داخله ممالک آن دولت در شهر
 میلان پین مالی گفتگویی برخاسته و یکبار هرکات لایقانه سرزده حتی اینکه یکی از مالی آنجا حاکم آنجا
 که در کوچه میکند شت است باقمه زده و کشته و نیز یکی دیگر قصد زدن نایب حاکم را مینماید و هشتاد و چهار
 دیگر را میزند و سواهی اینها نیز در آنجا فسادات دیگر ظهور یافته و بسبب شتی که از جانب حکومت آنها شده
 مالی آنجا بعضی حرفهای نامناسب نوشته و در دروازه قلعه چسباندند و هنوز مال امر آنها بجائی منجر نشده
 تا بعد چه شد (و نیز در روزنامه های اوستیر نوشته اند در ایالت لومباردی و دیو و نزدیک چهار قلعه از قلم
 بوده است و خیلی استحکام و انضباط داشته است باز این اوقات مجدداً از جانب دولت امر
 باستحکام آنها شده است و یکبار هفتلجای بی لزوم که در آنجا هست امر بخرابی آنها نموده اند و
 یک فوج عسکریم بسمت آن قلعه فرستاده اند

۲۸۴۶

کتابخانه مجلس

روزنامه وقایع اتفاقیه بیخ یوم ششم شهر شعبان المعظم مطابق سال ۱۳۱۳



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الحکله طهران

چون شاهزاده عماد الدوله حکمران کرمان ان در نظم سرحده و رفع دفع فستنه جوانان و انجام خدمات دیوان منستهای صداقت و کفایت خود را در پیشگاه حضور همایون ظاهر ساخته بودند از جانب سنتی ابجوان تب همایون سنه و ارغیاتی مخصوص آمدند و کقطعه نشان منصب امیر تومانی با حمایل سبزابی که مخصوص منصب مزبور است در حق معزی لبی مرحمت شد (چون در فارس بعضی اخبار را رایج است که باعث شستی کار شاهزاده عماد الدوله بود شهرت داده بودند از جانب سنتی ابجوان تب همایون کتوب کلخه از طبوس سنین مبارک بر رسم خلعت در حق معزی لبی مرحمت شد که با اطمینان در دست تمام بچول انجام خدمات مزبور شد)

چون قوام الدوله همواره در خدمات دولت نهایت مجاہدت ادا کرده است خاصه از بدایت ناموریت خراسان روز بروز مجاسن کفایت و صداقت و حسن عقیدت خود را ظاهر ساخته در نظم آن حدود و انجام خدمات دیوان لازمه اهتمام بعمل آورد و در مراسم خدمت و چاکری او در خاکپای همایون مشهود گردید پس از سرکار اعلحضرت شاهنشاهی از راه کمال خفایت و وفور مرحمت کقطعه نشان امیر تومانی مکلن بالاسس با قهار او مرحمت فرمودند و بصحبت نورمحمد خان شجاعت غرافا ذیافت (چون التهوریدی خان سرمنگ توبخانه که در خراسان در اسفار عدیده از قبل بهرات غیره مراتب شادت و جان نشانی خود را ظاهر نموده بود بمنصب سرچی سیم توبخانه سرانند و با عطای یکتوب جنبه تره کرمانی قرین است یا ز کرد

۲۸۴۷

و همچنین حسنعلیخان سرتیپ افشار چون پوسته مصدر خدمات نمایان شده است خاصه در امور
 خراسان با عطای کقطعه نشان دوم سرتیپی با حایل سرخ که مخصوص مرتبه مزبور است سرافراز
 و همچنین محمد باقرخان سرتیپ فوج ششم نظر بانگه با سن شباب در خدمات محوله نهایت اهتمام را
 نموده در مدت ساغلی خراسان مراتب قابلیت خود را ظاهر ساخت لهذا کقطعه نشان اول
 سرتیپی با حایل سفید در حق او مرحمت شد (چون مرحوم اسداللهخان سرتیپ فوج کوران
 قلعه زنجیری که تفصیل قبل او در روزنامه سابق نوشته شد از خدمتگذاران صداقت کیش دولت
 علیه بود بلا حطنه پس خدمات او علیرادخان پسرش را بمنصب سرتیپی فوج مزبور سرافراز
 فرموده خلعت و فرمان او مرحمت شد) (توپچان نامور فارس از خاکپای مبارک مرضی
 حاصل نمودند و هنگام ترخیص آنها پس سالار حکم حکم های چون شد که همه مدارک آنها را تمام و
 کمال بدهند و جیره و مواجب ایام ما مورثیت آنها را احکام نوشته شود که بدون کم و کسر برسانند
 هرگاه صاحب منصبی که با آنها ما مورث است در رساندن جیره و مواجب آنها تامل نماید یا آنکه غرضی
 بکند توپچان مرضی هستند که عریضه عرض نموده بصحابت یک نفر توپچی بخاکپای مبارک برسانند تا
 حکم حکم های چون بتبیین و باستان صاحب منصب صادر شود و این حکم در حق عسوم قشون شریف
 صدور یافت) (لطف اللهخان سرتیپ سواره شاهسون دیرین و محمد تقی خان سرتیپ
 افشار شاهسون که ما مور خراسان بودند و حصار شده چندی بجهت انجام امور سواره توپچی
 خود در رکاب هایون بودند این اوقات از خاکپای مبارک مرضی گردیده بهر یک یک طاقه
 شال تره کرمانی خلعت عایشه) (چون عزت اللهخان شاهسون صداقت خود را در انجام
 خدمات ایوان بطور رسانیده بود بمنصب ایل پکی کری شاهسون سرافراز گشته یک طاقه
 شال کرمانی خلعت باو مرحمت گردید) (نظر بیاقت شایستگی مصطفی خان یوزباشی و ملاحظه
 خدمات مرحوم عباسعلیخان پسرش سرتیپی فوج قرانی سرافراز گشته یک طاقه شال تره کرمانی
 خلعت باو مرحمت شد) (چون حسینخان نایب الحکومه همان مراتب خدمتگذار می و اهتمام خود را
 در پیشگاه ملک پایگاه شاه بنظر طور رسانده و خدمات او در نظر آفتاب اثرهایون مستحسن افتاد
 یک طاقه شال کرمانی خلعت بافتخار مشارالیه مرحمت شد) (نظر بحسن خدمات و سرحداری ایوان
 خان الی کردستان محض از راه بطور مرحمت در حق مشارالیه یک قطعه کل که مرضع بالماس
 مشارالیه عین کشته و فرستاده شد و فرمان جبرلعان بافتخار والی شرف صدور یافت که از جهت

شرف اندوزی حضور موفور استر برای تحویل سال نو بدربار معذرت اربابید و پس از ادای
فیض یارت آستان بلا یک پاسبان بزودی بخت حکومت خود معاودت نماید (نظر عین
کفایت امانت ابراهیم پیک تهنکدار برادر حاجی محمد خان حاجب الدوله بموجب فرمان هایون منصب
سرایدار باشی گری عمارت مبارکات سلطانی انبارهای بوزالات غیره سرفراز شده و از ایام منصب
یکشوب جبهه تره کرمانی مشارالیه عنایت و مرحمت گردید) (نظر بطور مرام حضرت شاهنشاه
پاره شاهزاده احمد میرزا حکومت کلپایگان و خوانسار سرفراز فرموده و فرمان هایون سرفراز
یاخته خلعت آفتاب طلعت نخل کشک) (چون نصرة الدوله مشیر وزیر از زمان قبیل حکومت عراق کفایت
کافی در آبادی لایت آسودگی رعیت و وصول و ایصال مالیات ظاهر کرده بود و سرکار اقدس
هایون شاهنشاهی خلد الله مکه و سلطانه حکومت طایر و تویسه کار از اضمیمه ولایت عراق بمغزی الیه
فرمودند) (چون حاجی حسنعلی خان پیشکار سابق قزوین همیشه مریض و ناخوش بود و نمیتوانست
بمحل حکومت درست رسیدگی نماید حاجی حسن خان قاجار که در خاکپای هایون بحسن سلوک و مرد
داری معروف بود وزارت پیشکاری قزوین منصوب و برقرار گردیده خلعت و فرمان مبارک
شد) (چون حاجی مصطفی خان از ذرانی عن زجه تقبیل آستان ملایک پاسبان هایون
شرفیاب در بار معدلتدار گشته بود این اوقات اذن مرضی حاصل نموده و یکشوب جبهه تره
کرمانی با قهار و سرفرازی مشارالیه عنایت گردید) (نظر بصدقت امانت راستی
میرزا اسدالله مستوفی و حسن سلوک و رفتار مشارالیه با رعیت از ذرانی در رضامندی رعیت
از او بر حسب امر حضرت شاهنشاه بمنصب وزارت ارالمزبور سرفراز گشته فرمان

۲۸۴۹

هایون صادر شد و یکشوب جبهه تره کرمانی خلعت و مرحمت عنایت گردید

سایر ولایات

قزوین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته بودند در جدی برف بجدی آمده است که از قزوین بکنز
الی خردان که سه چهار فرسخ است در پنجاه شش نفر مکاری و یک نفر چا پوزنورده رسس قاطره دیگر از قزوین
کرمانشاهان دو نفر از تبریز بکرمانشاهان آمده در خنیه پول قلب سکه میزدند و عمارت
الدوله با خبر شده آنها را گرفته محوسس دارند تا بحقیقت عمل آنها برسد که چه قدر سکه کرده
و چه کرده اند) (تا چند وقت قبل غلظت سیر زیاد داشته است اما بحمد این اوقات
خیلی تسنزل نموده است و مردم آسوده شده اند

صفتان از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند شاهزاده چشمه الدوله که نامورایات
خانها از کثرت باران خرابی یافته است جو بات تنزل کلی کرده است و همه مالی و
رعایا شب و روز بد های دوام دولت استعال داشته

خراسان از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند شاهزاده چشمه الدوله که نامورایات
خراسان بودند بنیسا پور که رسید قوام الدوله بار و سا و سرگرد کان ایشا نزا استعال نمود
رسم تنیث بجا آوردند و روز پست یکم رجب که وارد ارض اقدس شدند جمیع اعیان و اشراف
شهر مراسم استعال بجا آورده وارد مصیبات شدند و عسوم رعایا و نوکر را بمرحوم کاظم
شالانه امیدوار ساخته بکلی زبان بدعای بجای دولت جاوید آیت کشودند

عربستان از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته اند شاهزاده احتشام الدوله که
بروورد و عربستان لریسان بقاعده هر ساله برای نظم سرحدات در ماه جمادی الاولی از
بروجیند حرکت کرده ز راه لرستان بدز قول رفته اند و همه جا بعرض مردم رسیدگی نموده و
بعد از غور ریس با نور حد و پین راه با فوج و توپخانه و سوارمانی که همراه داشتند وارد زوق
شدند و همه اعیان و اشراف شرایط تنیث بجا آورده زبان بدعای دوام دولت بدت کشودند
پلی که حاجی حسین خان بایراحمی ساخته بود با متذکران خراب شده بود و عبور مردم از
پل امکان نداشت احتشام الدوله آن پل ادرکمال استحکام ساخته دو چشمه دیگر علاوه بر پل
نمودند و باینجه زیاد از حد مردم دعاگوی دوام دولت ابدت پیا شدند

کردستان از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند امور اولایت از هرجه قرین انتظام است معابر و سرحدات تنیث
افتت و انضباط را دارد در جدی بارنگی زیاد در آن صفحات شده و برت بسیار آمده است که سد طرق و شوارع بالمره
کشته و بدینوسیله در قصبه دروگان خبا زمانه کیا شده بوده است مان بته خان والی بقدر مقدر آورد و کند پنجاه
داده و تقسیم نمودن در بازار و فور هم رسا نده قرا و صنهارا اسودگی حاصل آمد (و از عجایب نوشته اند کفر
ترویسی این اوقات نامی یکی از قرا کردستان که دو فرسخی قصبه واقع است آمده ادعای طهارت کرده و آنجا عینی ناخوش
بوده است معتقد میشود که علاج ناخوشی او نماید وانی از برای او ترتیب میدهد که بجنح خوردن آن گوشت موسوی مریض بکلی سیریزد و بعد
تلف میشود و جان کاین آفرین نسیم بنیاید قارب خویشان مریض طیب امیکرند موسی بندد پنجه همراه میکنند که او را بقصبه آورد
و والی آنچه حکم است جاری نماید بکفر که از قریه دور میشود برت باد آنها را همی یا بدو هر شش نفر را بر ما تلف میکند بعد از دو
روز دیگر چند نفر رعایای آن قریه در قصبه می آمدند در میان جا بد بخش آنها را یافتند که شدت سرما آنها را خشک می نمود

۲۸۵۰

اخبار دول خارجی

انگلیس در روزنامه های انگلیس نوشته اند از خبرهای عساکر دولت انگلیس که در بندرین وقت دارند کینفرشب در چادر خود خوابیده بوده است دزدی داخل چادر او میشود ساعت و سایر اسباب که در بالای سبخرال بوده است برداشته پرون می آید اسبی در جلو چادر بسته بودند اسب اینر شود میشود و صبح که جنرال از خواب بیدار میگردد اسب اسباب خود را ندیده و معلوم نماید که دزد برده است از هر طرف جستجو میکند و از توپچیانی که در دور چادر قرار داشتند جویا میشوند از سایرین پرسند اثری از دزد معلوم نمیکرد جنرال را از این کیفیت بسیار تعجب می آید که چگونه باین حد فرادول دزد اسبابها را از زیر سر و اسب از جلو چادر بردار معلوم که خیلی آدم جسور و عیثار باشد و میگوید اگر این دزد را من میبایدم هیچ کاری نماندیم بلکه انعام و اکرام با او نمودم دوروز بعد از این شخصی می آید و میگوید که اسباب و اشیا بسیار سرود را من برده ام جنرال خیلی اظهار ممنونیت مینماید و میگوید معلوم است درین کار مهارت و جسارت کامل داری تقریر کن بلیسنتم که چه پذیرفته شده و چگونه اینها را از اینجا برده ان شخص میگوید که چند روز پیش چند دفعه آدم دور اطراف چادر را ملاحظه کردم و صنایع جنرال و در آن دور و سایرین را فهمیدم آن شب ایستاد است بعد سوار اسب شده پرون رستم و از جهت معاینه دیدن این کیفیت و آوردن تقلید آن شب جنرال میگوید رخت خوابی می اندازند و یکدستگاه ساعت دیگر با اسباب دیگر در زیر رخت خواب گذاشته و خود توی رخت خواب میرود و میگوید ما اسبی آورده بر دور چادر میبندند و بان شخص سارق تکلیف مینماید و میگوید تقلید آن شب در آور بلیسنتم چگونه آدمی و چگونه بردی آن شخص هسته است داخل چادر میشود و ساعت سایر اسباب را از زیر سبخرال بر میدارد و بیرون آمده همان اسب اسوار میشود و چنان از میان میدان در میرود که هنوز اثر و آثاری از آن پیدانست جنرال را از این کیفیت تعجب زیاده میکرد و این

۲۸۵۱

اسب و اسباب دزد را عوض انعام اکرام او محسوب میدار

بلجیک در روزنامه های بلجیک نوشته اند که از جانب آن دولت کینفر آدم بهمت حسن فرستاده اند که تنگ و سیاق معاطه وسیع و شدای انجام را بفهمد و از حاصل تجارت آنها تحقیق و تفتیش نماید تا بعد از آن آنچه صلاح و مصلحت باشد از جانب دولت بلجیک معمول گردد

پاریس در روزنامه های پاریس نوشته اند از معین کتب عربیه آن دولت کینفر باره روزنامه

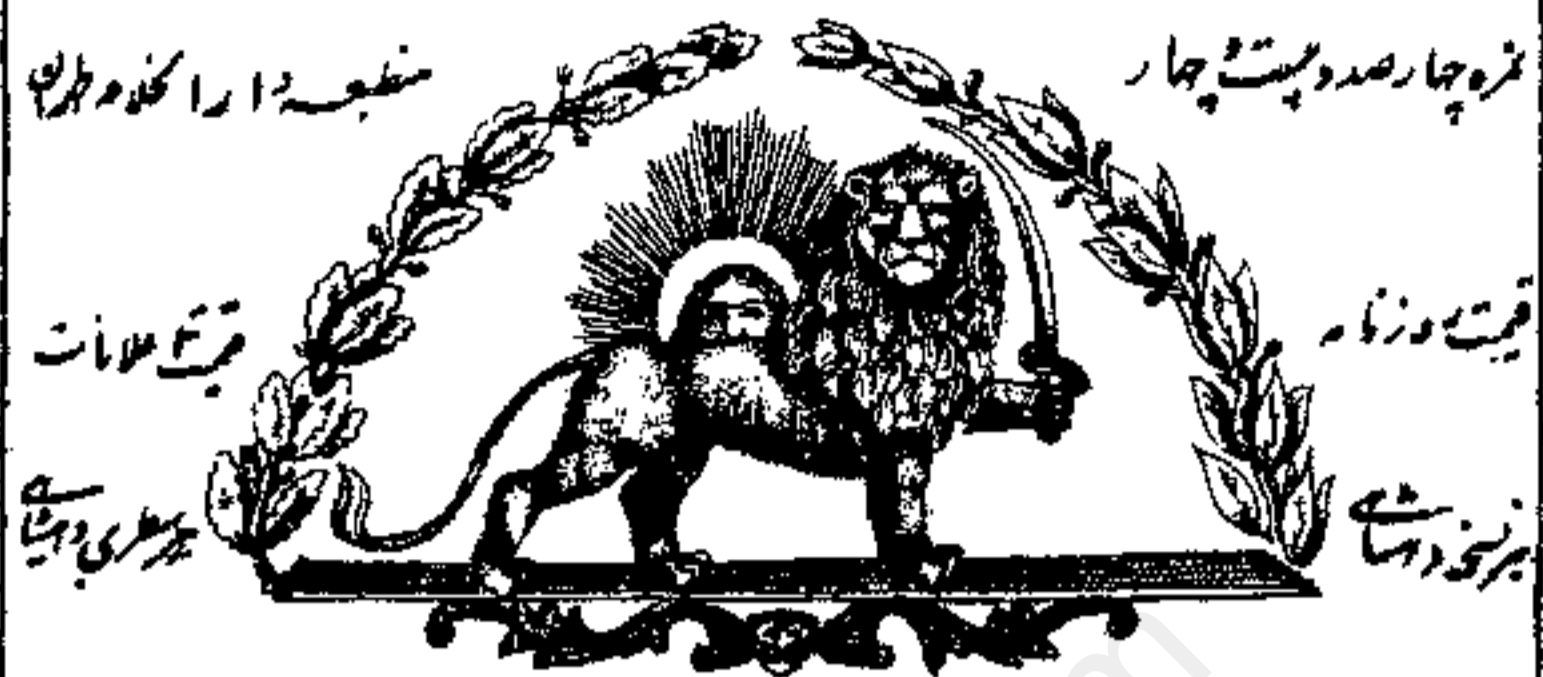
یک نوع عزا ده از بجا دو احداث نموده است که بغایت نفیث و خوشگل میباشد مگر از برای
 آن عزا ده قرار داده اند و نفر بالای آن بنشینند و با پای خودشان آن عزا ده را حرکت
 میدهند بطوری سرعت سیر دارد که از عزا ده که دو اسب با بسته باشند تند تر میرود چون سرعت
 اینگونه عزا ده تجسیر و امتحان سیده است در کشید و ترنید این از جانب دولت وقت زیاد اعتنا میشود
 پروس محکمست که بعد ازین نظام کشتیهای جنگی پروس درست موافق قاعده و اسطفا
 و از قرار یک از پرتون که پای تحت آن دولت نوشته اند شاهزاده محکمست همان ترنون نامور
 شده است قبل ازین شاهزاده موسیو انشیل که یک صاحب منصب بزرگست درین خدمت
 نامور بود و الان این دولت میخواهند که رئیس مقدری که با نظم باشد بجهت ریاست امورات
 بحری ستار بدهند و احتمال میرود که موسیو انشیل در آنکه نایب امیر البحر است باین خدمت
 و منصب منحرف و ممتاز نمایند و شاهزاده مسعی با اولیترت رئیس کل قشون بحری این دولت
 شده است و هنوز معلوم نیست که موسیو انشیل در وزیر قشون بحری میشود یا نه تا بعد چه روزی
 و دیگر ازین دولت نوشته اند که اغلبی از دولتهای دیگر که میباید ازین دولت در آنجا سفیری نامور باشد
 هنوز نامور نشده است موسیو کنگ سن باز که نیز که از جانب این دولت در دولت بلاد
 خواهرش است عا نموده که از جانب دولت او را احضار نمایند سفیری دیگر نامور نموده بفرستند
 و باعث نامور نمودن سفیر ازین دولت بدولتهای دیگر است که وزیر دول خارج آن دولت
 در این وقت بمستلا برض حاق شده است در بستر خوابیده [و دیگر نوشته اند که ولیعهد
 دولت انگلیس که باین دولت بعزم تفریح و سیاحت آمده است درین روز با بادار و برودند
 نموی خود که بزرگ محکمست که با او دیدنی نموده پس از آن مراجعت بلندن نماید
 فرانسه در روزنامه های فرانسه نوشته اند بجهت مبادله معامله مانده که ما بین دولت فرانسه و حکومت
 با پونیا قرار یافته است از جانب حکومت کوره ناموری تعیین و پاریس فرستاده اند و این اوقات با آنجا رسیده است
 و پس از آنکه مبادله مانده معامله مزبور با مضای حضرت امپراطور فرانسه به نامور مزبور معاودت بولایت خود خواهد نمود

۲۸۵۲

اعلان

از جماعت قومپانی نوشتاتل اطلاق تجار تی در کاروانسرای دولت باز کرده اند که در آنجا همه جور
 ساعتها از پنج تومان الی چهار صد تومان و اقسام اسباب جواهرات سنگین و سلطه نوظهور که هنوز باین
 محکمست نیاورده اند و غیرا فروش میکنند هر کس طالب است بکاروانسرای مزبور رفته بخرند

روزنامه قلع اقله تیاریچ یوم چارشنبه از هفتم شهریور معطابق سال یونین ۱۲۷۰



اخبار چند مالک محمود پادشاهی

دارا خلایق طهران

یوم چهارشنبه گذشته که سرکار حضرت قدر قدرت شاهنشاه برای تفریح تشریف فرمای باغ دادگاه میشد و افواج قاهره در میدان مشغول مشغول بودند محض اظهار مرحمت طوکانه و امیدواری جان نشاران بتماشای مش تشریف برده مش آنها را ملاحظه و تحسین فرمودند (میرزا حسین خان وزیر مختار و اعلیٰ مخصوص حضرت قضا شوکت شاهنشاهی مأمور اقامت دربار دولت عثمانی که در روزنامه گذشته سوا آنها بسمت وزیر مختاری تعریف شده بود محض ظهور عطف پادشاهی با عطای کیوب قبا استیفا از طلب خاصه همایون سرفراز شد و نیز اجازت حاصل کرد که تا عید نوروز سلطانان بجهت تمام کارهای شخصی خود ملزم رکاب همایون و فردای عید عازم محل مأموریت شود) چون مراتب صداقت شعاری و درست کاری میرزا نصرالله متصدی خالصجات دیوانی در خاکپای همایون درجه نمود یافت تحویل داری جنس انبیا غله دیوانی از دستار فرمان قضا جریان همایون باو مرمت شده کیوب جبهه تره کرمانی هم خلعت عنایت کردید (چون میرزا محمد رهنمای نوری در مدت توقف بندر بوشهر در خدمات دولت کمال صداقت بکار برده مراتب لیاقت و شایستگی او بر برای جهان آرای حضرت شاهنشاهی معلوم و معروف افتاد در این اوقات در اغلب اخبار چند جا سرفراز و با عطای کیوب جبهه تره کرمانی قرین مستیاز فرمود

تو پیمان در زبور کچیان افواج قاهره متوجهین دارا کلا فدا لیا هسره روزه در محل مشغول خود مشغول
 هستند و مشغول صاحب منصبان کمال مراقبت دارند (سپه سالار این روزها از طلوع تا غروب اوقات
 خود را صرف مدارک و دستورات العمل قشون میبندند نمون با مورسلان نمیکنند صاحب منصبان و لشکریان
 هر یک ام مشغول انجام خدمات خود نبودند) (تو پیمان با مؤذلات کلا نفرین معین شد سپه سالار
 کل موجب جیره و کرایه مال مدارک آنها را از روی فقر معین نموده فردا فردا بخود تو پیمان داده داشته
 بکنور مبارک برده صاحب منصب تا پین با بسنده بر من خاکپای مبارک رسانیده روانه ولایت شد
 تو پیمان با مورسا خلوفارس که مدتها بود با مور بود حکم احصا را آنها رفته بود آمده در دیوانخانه مبارک
 صف کشیده بنظر مبارک رسیده مورد التفات نوازش ملوکانه کردید تا تمام رسم با آنها محبت شد و سپه سالار
 مقرر فرمودند که آنچه طلب آنها از دیوان همایون باشد از قبیل موجب جیره تا درود آذربایجان منظور
 داشته در دارا کلا فدا داده روانه دارد) (نظر بلاحظه خدمات قدست و بقت خدمت کاظم خان
 سرهنگ فوج ناصریه ولایت شایستگی او بنصب سرچی سرافراز کشته ایل حاجی علی سوار قراجه داغ رجم
 التفات فرموده معتبر فرمودند پنجاه نفر هم سواره قزاق خوب از ایلات قراجه داغ بگیرد که ابو ایلیج او
 باشد) (میرزا احمد خان نکند که شرفیاب خاکپای مبارک شد بود چون در تمام و انجام فوج زرکنه
 اهتمام تمام کرده بود محض مرحمت و عنایت ملوکانه سواره سنجایی را هم ابو ایلیج مشارالیه فرمودند که
 رفته سواره مزبوره را در کمال راستگی تمام کرده مستکام احضار حاضر نماید) (فوج پنج سواره جمعی
 خان محمد خان بهر تپ که احضار رکاب همایون شده بود وارد شده و از افواج موقت دارا کلا فدا
 مقرر شد) (نظر بحسن خدمتگذاری جان نثاری حاجی محمد خان حاجب الله و لیکتوب کلجی
 کشمیری بطانته فرود حق مشارالیه مرحمت و عنایت کردید) (امان انسر خان والی کردستان که
 بر کاب مبارک احضار شده بود وارد بشارت دریافت حضور همایون شرفش از لوازمات و تفقدات ملوکانه
 بود و کردید در همین روز اعاده و خجسته کرد) (جمعی از بشارت و ذمای بخیر می در خواست کنند شدند
 مشغول زدی و شرارت بدند بعد از آنکه مراتب مزبور بخاکپای مبارک معروض شد حسب امر قدس شاه شاه
 امان الله خان سرهنگ فوج قراقرز که با فوج مزبور در اصفهان ساخلو باشد امور بکفرتن آنها شد این وقت
 از قرار یک بخاکپای مبارک معروض داشته بود کنجی خان بخیار بر که رئیس آنها بود با اتباع او دستگیر نموده
 گرفته است و حکم جهانمضاع شرف صدور یافت که آنها را مجوسا با دارا کلا فدا روانه سازد و از جانب
 دستی ایوانب همایون کیوب جبه برسم خلعت روجا مان محمد خان مرحمت که دید سایر ولایات

۲۸۵۴

پس در پو سگش در دهم جمادی الاولی حاجی عبدالقادر نام از جانب امام سقط وارد و از جانب مشایخ
 معادل یکدستگاه ساعت طلاد و دودل قند فرنگی بجهت دریابسیکی تکلف آورده دریابسیکی در ایام توقف
 اولوازم محبت مرعی داشته با اغزاز و اکرام تمام روانه نمود (در اوایل شخصه جمادی الاولی دریا
 بجهت هر یک از مباحثین دیوانی بسند بوشرو مصافحات دستور العمل مصتبوطی نوشته از آنها التزم کرده
 بود که تکلف ننمایند و آنها نیز بدون تکلف از آنها قرار گرفتار نموده و میسپارند (یکفرسب از در شهر درگاه
 دریا میگذشته گوشه مرتفع دیده خاک آنجا را برهم زده یکفرسب عالی یافته بود مراتب ابا محمد خان دریابسیکی
 اظهار کرده مشاربیه قدغن نموده صاحب عالی را سپید انمودند و عالی را تسلیم او کردند (و همچنین
 سر بازی در شهر یکیدل سگر سپید کرده بود از قندار قدغن دریابسیکی صاحبش را پیدا نموده با او عاید ساختند
 نظر بانکه احمد خان حکام بذر بوشرو قدغن نموده است که صنباط و عمال دیوانی قبل از موسم حاصل از
 رعیت مطالبه منال دیوانی کنند قاطبه رعایا در مهمل آسایش و رفاه بدعا کونی دولت سپهسالاران
 و ابواب تفضلات الهی نیز مفتوح گردیده بارانهای موعود آمده حاصل امسال هم مثل بار سال کمال بود
 و خوبی هم رساند از خجسته هم منوم مردم آسوده خاطر و شکر گزار شدند (چون کار و اندامی
 و الکی خرابی بسیار هم رسانده بود آقا محمد علی ملک التجار محض مزید عاکونی و رفاه مردم چهارصد
 تومان خرج نموده آنجا را در کمال صنباط تعمیر کرده موجب مزید عاکونی و رفاه مردم گردیده است
 درین سال فرخنده منال از توسسالی حوث در جمع مملکت فارس خاصه در شیراز پوست باران و
 برف رحمت ایزدی بموقع باریده و حقیقت سالی است که چنانچه الی من بعد ان شاء الله تعالی بدون
 آفت ارضی و سماوی بوده باشد تعمیرین در کرسیات مملکت فارس بسیار از ان خواهد شد
 فوج قربان اصفهان و فوج شیرازی متوقفین شیراز بواسطه نزول باران و برف رحمت ایزدی
 چند نیست که نمیتوانند مشق نمایند و لیکن فوج شیراز احضار دارا نخله الهیه در مزارک هستند
 که بزودی از شیراز حرکت کرده شرفیاب کاب نصرت انساب مبارک شوند
 کرمانشاهان نصرانده خان سرتب فوج کپایکانی که بعد از قتل اسدالله خان سرتب فوج کور
 پنجمه مقدان و نظم سرحد امور بودالی حال در سرحد متوقف است بطریق سابق یکدسته سران
 در سرپل زاب و دودسته در قصر گذارده که قوافل و زوار و مترودین را به سلامت میگذرانند
 یزد از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بود مذمیر از فتحلی خان صاحب دیوان که از دربار محمدنهاد
 تاجون حکومت یزد مانور بود وارد یزد شده است

۲۸۵۵

اخبار دول خارجی

اسلامبول بقراریکه در روزنامه جدیدة الاحداث اسلامبول نوشته اند بر مقتضای اراده سنیة
 اعلمحضرت قضا شوکت سلطانی در جوار عمارت شیک کاشی مخصوص ذات شوکت سمات حضرت پادشاهی
 یکباب تیارخانه بسیار مزین و بی مثل در محل مناسب ساخته شده بود پس از اتمام مجموع فرود مات و
 اسباب آنجا در شب سیم شهر جادی الاخری اعلمحضرت سلطانی تشریف فرمای تیارخانه مزبوره گشتند
 و جمعی هم از وکلای فحام غنیمت آنجا کردند تیارخانه که گشاده شد و اد ضلع و اسباب که فراهم
 آوردند بغایت سخن و مطبوع طبع افاد و حضار از غایات جليلة حضرت پادشاهی سرور دولت گشتند
 چند شب دیگر باز غنیمت آنجا رفته بودند و بعضی از وکلای فحام و سفرائی دول متحاذیه در برخی از سایر
 نامورین کرام و از صنف صاحب منصبان عسکریه اشخاصیکه تار تبه سرپوش داشتند از راه لطف حضرت
 غنیمت بتیارخانه مزبوره بافتند در آن شب نیز بذات شوکت سمات اعلمحضرت پادشاهی نهایت
 انبساط و مسرت حاصل آمد و سایر چهارم محظوظ و مفتخر گردیدند (از قراریکه در روزنامه های
 جدیدة الاحداث از روزنامه های اروپا نقل کرده اند انالی اور و پادوسال است که کمال اسباب
 و استراحت ادارند و زخمهاییکه در جنگ دول عسکریه آنها رسیده بود التیام پذیرفته و وزن
 و الم آنها نیکه در جنگا گشته شده بودند از دلها بیرون رفت حال انالی مرقوم بنا بعبادت مستمره که
 دارند تا بل بر وقوع فتنه و فساد می نهند اگر چه مدتی اوقات خود را در مسئله ضربت اولای خود
 و قوعات موده لامبرگه گذرانند آنها نیز خستام پذیر گشته این اوقات با خترع و جعل چیز دیگر مجبورت
 بهرسانند در روزنامه مشهور بتایمس که در لندن طبع میشود احوال اور و پارا در تاریخ اد واسط
 کانون ادل این نحو حکایت اعلان و نشر کرده بودند که احوال اور و پارا این اوقات بسیار مشوش
 و مجهول است مثل دولت استریا که هرگاه چنانکه دولت و ستر در جنگ مجارستان بولت و تیر معاود
 نود دولت استریا نیز در جنگ و ستر با دول قبول معاودت جنگ بمنود دستی آنها صحیح شمرده شد
 و پوغانی دولت استریا معلوم نمیکشت چون قبول معاودت نکرد در میان این دو دولت صفائی
 و چون دولت سار دنیا از دولت فرانسه طرف داری نمود مجتهدا از جانب دولت فرانسه بدولت
 استریا خواه شد بر خلاف دولت استریا که بجزد ایسکه دولت نگیس از آنها اظهار بی طرفی نماید
 دولت فرانسه با آنها اعلان جنگ خواهد نمود زیرا که صفت و ضرر دولت استریا موجب قوت و
 منفعت دولت فرانسه است بخلاف دولت سار دنیا که هر چه وسعت و قوتش بیشتر باشد دولت فرانسه بیشتر

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه نوزدهم شهر شعبان مطابق سال قومی ۱۲۲۵

مطلبه دارالخلافه طهران

نزه چهارصد و پست پنجم

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر سطر یک ماه

هر نسخه یک ماه



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه شانزدهم که قبلی از طلوع آفتاب گذشته تحویل سال فرخنده خال بود سرکار حضرت
 اقدس هیون شاهنشاهی بقانون مستمره در عمارت کلاه فرنگی پهن و اقبال مصون از زوال
 جلوس اجلاس فرمودند و هنگام تحویل در آن بزم میسنو نظم از خواص علمای اعلام و اولیای امانت
 دولت ابد فرجام و سایر مخصوصان دربار هیون که شرف احضار یافته بودند از شرفیابی حضور
 مظهر بهره مند شدند و از دست مبارک شاهنشاهی اشرفی بنده آنها مرمت و عنایت گردید
 و چون که در آن روز حضرت اقدس شاهنشاهی ندی در مجلس تحویل جلوس فرموده با عطا
 شاهنشاهی مشغول بودند سلام عام نوروزی بر روز دیگر معتبر گردید (و در روز
 سه شنبه پنجم در تالار دیوانخانه بزرگ بر تخت مبارک جلوس فرمودند و جمیع چاکران دربار
 هیون از امانت اولیای دولتی اهل نظام و غیر نظام که با سلام عام داشتند شرفیاب
 خاکپای مبارک شدند و امین الدوله را مخاطب فرموده فرمایشات لوکانه در باب نظم
 قشون و رفتن سلطانی و انعقاد اردوی بزرگ و اجتماع قشون و حکام در آنجا و نسبت
 بعموم ایلی ایران فرمایشات القات آمیز بیان فرموده و مرضض نمودند (چون موکب قزوین
 کوکب هایون که تشریف فرمای سفر مینت از سلطانیه می شدند در ایام غیاب موکب هایون
 لازم بود که در دارالخلافه طهران یکی از چاکران صداقت کیش که بصفت کفایت موصوف
 است

برای مراقبت امور دارالخلافه از جانب سستی بجانب همایون نامور شود لهذا شاهزاده
 نصره الدوله فیروز میرزا حکمران عراق و طایره و توپیکار از اعلیحضرت اقدس همایون موقعا
 بحکومت دارالخلافه سرفراز و توفیق در اینجا نامور فرمودند که مراقب امور جمهور رعایا
 و برابری بوده در نظم و لایت و امنیت دارالخلافه و سرپرستی رعایا و برابری لازم مراقبت بعمل
 آورد بعد از آنکه موکب همایون بمقرتسلطت عظمی مراجعت فرمودند مغزی لیس نیز در اینمقر
 ایالت خود خواهند شد (چون محمود خان ناصر الملک بوفور کفایت در ایالت موصوف
 میباشد اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی علاوه بر خدمت صنعت و تجارت غیره که بمغزی الیه محول
 بود ریاست قشون موقوفه دارالخلافه و قورخانه و جنبه خانه مبارکه را نیز در ایام غیاب
 موکب همایون با و محول و مرجع فرمودند) (نظر بوفور مرحمت و عنایت اعلیحضرت شاهنشاهی
 در حق محسن میرزا امیر آخور در بخدمت شهر حال با عطای یکطاقه شال تیره کشمیری و یکجبهه طباطبائی
 انگلیسی دوله او را قرین مستیاز و افتخار فرمودند) (چون عین الملک همواره از حسن خدمات
 خود خاطر اقدس همایون شاهنشاهی اخرسند میدارد این اوقات محض از جهت افتخار و سرفراز
 مشارالیه بکثرت تیره کشمیری از طپوس خاصه همایون در حق او مرحمت و عنایت کردید
 چون میرزا عبدالرحیم سینان آقاسی سالها در میزان آذربایجان خدمت کرده بصیرت تام
 و تمام حاصل کرده بود سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی خدایه ملکه و سلطان محض مرحمت میزان
 آذربایجان ابعمده است تمام او محول فرمودند فرزندان جهانمطاع همایون شرف صدور یافته باعلا
 لقب خانی و یکجبهه تیره کرمانی سرفراز کردید و از رکاب مبارک مرخص و روانه تبریز
 چون سواره رای جهان آرای همایون شاهنشاهی خدایه ملکه و سلطان با بادی معابد و مساجد
 متعلق است و مسجد جامع کبیر قرظین بواسطه عدم مراقبت متولیان قریب بخرابی و انهدام
 نظر باستدعای حاجی ملا صادق مجتهد رشتی سایر علمای قرظین تولیت موقوفات و مراقبت
 امور مسجد مزبور بمسئله اسحق مرحمت شده فرمان همایون شرف صدور یافت که آنجا را در کمال
 پاکیزگی و انتظام نگاه دارد) (محمد اسماعیل خان چندی قبل بر حسب صدور طوقه نشان مبارک از
 کرمان برابر مسجد اتم همایون احضار کردید و بعد از ورود و شرفیابی او بختور و هر طور اقدس مورد توجیه
 و تقدیر شاهنشاهی آمد در این اوقات که شاهزاده کیومرث میرزا پسر مرحوم فرمانمیسر احسب الامر قدس
 شاهنشاهی بحکومت کرمان مقرر و ناموگشت محمد اسماعیل خان را نیز بمسئله طوقه مرحمت و عنایت وزارت

و پیشکاری مشارالیه سه روز فرمودند که بر حسب کفایت کفالت امورات ایرانی آنولایت نماید و فرامین صفت آیین شرفند در یافت و سواندی کیثوبتیه ترکیب سیری و پاک و وزی بشا بزرگدین و کیثوبتیه کرمانی حاشیه اربعه اسمعیل خان خلعت مرحمت فرمودند و از حضور بهایون مرتضی حاصل کرده در روز پنجشنبه نوزدهم اینها مخازم محل ناموریت مخد کشتند و میرزا اشخان منوب محمد اسمعیل خان نیز در خدمت کیومرث میرزا نامور کرمان شد و کیثوبتیه کرمانی با در محنت روانه گردید (چون در یک ماه مبارک رمضان وقت احساک از اکل و شرب و طلوع صبح بجهت بعضی اشخاص نامعلوم بود و احیاناً مؤذن دیر باز و اذان میدهد بجهت تسهیل آن که هر کس با پنجشنبه از عشره ماه مبارک الی صبح ماه مزبور وقت طلوع صبح را بقرار مسطور ذیل مشخص کرده اند و در روزنامه نوشته میشود که در ساعت غروبی اعتبار نمایند

| | | | | | |
|----|-------------------|----|----------|----|----------------|
| ۲ | ساعت و ۶ دقیقه | ۲ | چهارشنبه | ۲ | ساعت و ۶ دقیقه |
| ۳ | ساعت و ۸ دقیقه | ۴ | جمعه | ۳ | پنجشنبه |
| ۵ | ۱۲ دقیقه | ۶ | یکشنبه | ۵ | شنبه |
| ۶ | ۱۲ دقیقه | ۸ | دوشنبه | ۶ | دوشنبه |
| ۹ | ۲۱ دقیقه | ۱۰ | پنجشنبه | ۹ | چهارشنبه |
| ۱۱ | ۲۶ دقیقه | ۱۲ | شنبه | ۱۱ | جمعه |
| ۱۳ | ۳۳ دقیقه | ۱۴ | دوشنبه | ۱۳ | یکشنبه |
| ۱۵ | ۳۷ دقیقه | ۱۶ | چهارشنبه | ۱۵ | شنبه |
| ۱۲ | ۴۲ دقیقه | ۱۸ | جمعه | ۱۲ | پنجشنبه |
| ۱۹ | ۴۶ دقیقه | ۲۰ | یکشنبه | ۱۹ | شنبه |
| ۲۱ | ۵۱ دقیقه | ۲۲ | دوشنبه | ۲۱ | دوشنبه |
| ۲۳ | ۵۶ دقیقه | ۲۴ | پنجشنبه | ۲۳ | چهارشنبه |
| ۲۵ | ساعت | ۲۶ | شنبه | ۲۵ | جمعه |
| ۲۷ | ۳ ساعت و ۱۳ دقیقه | ۲۸ | دوشنبه | ۲۷ | یکشنبه |
| ۲۹ | ۸ دقیقه | ۳۰ | چهارشنبه | ۲۹ | شنبه |

سایر ولایات

۲۸۵۹

از با حبان از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته بودند میفرمودند که سابقاً
 یک دست و یک پای او را بریده بودند بهستان حال با زبانی دزدی و هرزگی را که داشته و گرفتار شده
 حسب الحکم دست و پای دیگر او را نیز قطع نمودند (چند نفر از الواط و هرزه کاران هصبیه
 اسکورا دستگیر نموده حسب الحکم شاهزاده معزالدوله سیاست شدند) (معین الملک که
 از دربار معد لتهار همایون نامور بود مرخص شده بود و در چهارم شهر رجب المرتضی در شیراز
 فوج مراغه که احضار تبریز شده بود و آورده شده مستحلفی در بجان و عمارات سلطانی را که با فوج
 دوزم تبریز بود محول با آنها نموده فوج دوزم را مرخص کردند) (در این اوقات در شهر تبریز
 جنس قلت و ترقی بهم رسانده بودند و باین واسطه فراوضفا مضطرب و پریشان شده
 بوده اند لهذا اسرار کل و معین الملک بر حسب حکم و استعمار شاهزاده معزالدوله قرار دادند
 که بقدر سه هزار نفر از جنس دیوان که در محلهای حول و حوش شهر باقی بود و محل و نقل آن بیشتر
 سهولت داشت گرایه داده بشهرنیا و رند و بقیمت وقت بلکه از آن ترنجباز و غیره بفرود شد
 و رستم صادر نمودند که تا زمان رسیدن جنس دیوانی بشهر همه دوزه موذیان باقی شهری قدری
 جنس کار صناعی نمایند و قدری هم صاحبان انبیا بر جماعت خباز بفرود شدند تا جنس مزبور
 بشهر برسد و حسب الحکم کدوم را که از شهر خرداری هفت تومان بدست نی آمد از قرار مشغول
 فروختند و مان در بازار نامور بهم برسانده مردم را آسایش حاصل آمده بدعا کونی و دوام
 دولت ابد مدت فایده پرداختند

۲۸۶۰

ختمه از قراریکه در روزنامه ختمه نوشته بودند میرزا ولیخان نایب الحکومه ختمه که از دربار
 معد لتهار همایون مرخص شده بود و در شهر زنجان شده و از روز و روز در صد و هفتاد و یک
 سیورسات قزاقین بر کاب نصرت انساب شاهنشاهی خلد اندک و سلطان بر آمده و مشغول
 انجام خدمات میباشد (اسکندر میرزا که حسب الامر بنندگان اقدس شاهنشاهی بمعاوجه و طبابت
 نوکرو رعیت ختمه نامور شده بود و او را در دیده بر حسب احکام مطاع و مشغول خوب
 و اطاق دو خانچه بجهت مشاوره معین شده مشغول رسیدگی امراض مسلمان و معالجه آن میباشد
 و مردم ازین برکنند کمال خوشنودی و دعا کونی را دارند

میرزا در هصبیه لغت خانه را دزدیده مال بسیاری برده بود بر حسب قدغن صاحب دیوان
 ساقین را پیدا کرده مال مزبور را با تمام استرداد بصاحبش برودند اخبار دول خارج

بقراریکه در روزنامه های فرانکستان نویسد این اوقات در میان دول اروپا کاهی حرف صلح
 مذکور و کاهی گفتگوی جنگ مشهور است امریکایی نکتشده و هنوز بجای نکتشده است اگر چه در زبان
 تمام المانی و اروپا حرف صلح جاریست لیکن حرکات و افعال آنها مغایر اقوالشان باشد که دلالت
 بر جنگ نماید و از اینجاست قلب احدی آرام و استراحت ندارد و باین سبب اوراق نقدیه که
 بعبارة اخری سکناس میگویند در اکثر ولایات فرانکستان متزلزل نموده است از ملاحظه بعضی حالات
 المانی و مبارک و دیک از حرکات عساکر دولت اوستریا و از مذاکره پاریس و نیکه در سار دینا
 و از مذاکره کاتیک در پاریس بهمین سبب و فراهم می آورند و از زیاد کردن قوه بحریه انگلیس و در طرف
 غایبجا اردوی علیحده ترتیب دادن وسیله از سایر مشاهدات ملاحظاتی دیگر اثر و آثار صلح کمتر
 بنظر می آید از این علامات جنگ پدیدار و موهبداست ازین گذشته معامله اخری دولت اوستریا هم
 چیز را از خاطر افزاموش کرده است نظردقت تمام دول اروپا را بکار خود و حیثیات خود
 و داشته است معامله حرکت اخری دولت اوستریا اینست که بجد و صریح قشون فرستاده است
 احتمال میرود که در وقت ایجاب و ضرورت بنا بمصلحت خود قشون این قشون اداخل صرب نماید
 اگر هنوز اینگونه غم و نیت داشتن و نداشتن دولت اوستریا معلوم نکن اگر اینگونه نیت داشته
 باشد معاهده عمومی که در پاریس بسته شده برهم خواهد خورد و احکام آن معاهده لغو خواهد گردید
 دولتهائی که این عهدنامه را امضی داشته اند خصوصاً دولت روسیه و دولت فرانسه و دولت
 سار دینیه حتی دولت المانیا در حیاط خود جدد و جدد کرده و خواهند بود دولت پروسیا که با
 دولت اوستریا بالطبع موافقت دارد او نیز کناره جونی خواهد نمود و با این حرکت دولت اوستریا
 از همه پیش افتاده و تنها خواهد بود اگر چه دولت اوستریا در خصوص فرستادن قشون بجد و دجیر
 عذر با آورده خود را برمی آید و نماید و عرضش اینست که من خلاف معاهده دول نخواهم کرد و
 در وقت حاجت و ضرورت بدون استشاره دول متحده قشون خود را اذن دخول صرب نخواهم داد
 لکن سوسه آنها ازین گفتگو ما رخ نکتشده است از زمین و منکر هیچیک از دول پسندین زنده
 پیش افتادن و تنها بودن دولت اوستریا از سایر دول محض مقدمه صرب نیست تا ده سیر سفاین
 در نرطون نیست دولت روسیه و فرانسه چیزی جز خبری نبوده است بمیانستیک از دولت اوستریا مشاء
 میکرد فکر کوچکی نیست دولت اوستریا ازین حالات متأثر گشته چند می قبل مارشال تجمین را
 با سفارت مخصوصه پاریس فرستاده بود که با اعلمحضرت امپراطور فرانسه اینگونه مشکلات را